



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۲/۵

کاندید اکادمیسین سیستانی

پشتونها سپربلاگردان افغانستان

[درصحبتهای لطیف پدram ضمن توهین وتحقیرزعمای پشتون به قوم پشتون نیز توهین کرده است. این مختصر در رد نظریات او وهمفکران اوست. سیستانی]

اگر بچشم انصاف بسوی جامعه پشتون نگاه شود دیده میشود که پشتون ها در چهار قرن اخیر علاوه بر پیشگامی در شکل دهی دولت ملی وتوسعه قلمرو حاکمیت خود تا دهلی ومشهد، وبرای تقویت وحدت ملی از راه ترویج زبان وادب دری در دفاتر ومکاتب و سازماندهی جنبش مشروطیت وكسب استقلال افغانستان از تسلط انگلیس بر هبری شاه امان الله ، از سایر اقوام پیشگام بوده اند بلکه در ساختن ودفاع از این کشور نیز از سایر اقوام جلوتر قرار داشته اند وبنابر موقعیت جغرافیائی خود متحمل تلفات جانی ومالی بیشتری شده اند.

در هر دو تجاوز انگلیس بر افغانستان در قرن ۱۹ و همچنان در تجاوز شوروی در اواخر قرن ۲۰ وتجاوز امریکا در آغاز قرن ۲۱ هدف اصلی متجاوزین سرکوبی پشتونها بوده است. در مدت ده سال تجاوز شوروی مرکز ثقل بمبارانها هوائی وزمینی روسها سرکوب پشتونها بوده است. در مدت ۲۰ سال اشغال افغانستان توسط امریکا، تمام عملیات نظامی وبمبارانهای ویرانگر متوجه مناطق پشتون نشین بوده است. میتوان گفت که حتی یک بمب یا یک توپ بر پنجشیر وبدخشان وتخار وتالقان تاجیک نشین یا بر بامیان ودایکندی هزاره نشین یا میمنه وفاریاب اوزبیک نشین از سوی نیروهای امریکائی پرتاب نشده است. زیرا سران ورهبران سه قوم تاجیک واوزبک وهزاره در این تجاوز درکنار متجاوزین قرار گرفته بودند وبرضد پشتونها عمل میکردند.

بادریغ وتاسف فراوان باید گفت که در تمامی عملیات کشتار وتخریب دهات وقصبات پشتونها نیروهای دولتی رژیم های حزب دموکراتیک خلق وجمهوری سهامی کرزی واشرف غنی همکار وحامی قشونهای متجاوز روسی وامریکایی بوده اند وانها را تا پشت خانه های پشتونها رهنمایی وبرای تمديد اقتدار خود حمایت کرده اند.

از آنجایی که پاکستان تصویریدی از پشتون ها به امریکایی ها داده بود وامریکایی ها هم بخاطری که رهبر طالبان، بن لادن رهبر القاعده را به آنها تسلیم نداده بود ومی دیدند اکثر عملیات انتحاری علیه نیروهای خارجی از طرف طالبان پشتون صورت میگردد، درحالی که تجهیز واعزام جنگویان طالب از پاکستان علیه نیروهای خارجی پروژه پول زایی سازمان استخبارات نظامی پاکستان بود. بنابراین هدف اینتلاف ضد تروریزم بر هبری امریکا در افغانستان سرکوبی پشتونها بود. در این سرکوبی ها ریاست

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

استخبارات افغانستان که رئیس آن امرالله صالح نام داشت و تربیت یافته سازمان CIA سی آی ای بود نقش بسیار خطرناک و موثر داشت. زیرا صالح عضو مهم شورای نظار بود و شورای نظار بخاطریکه از دست طالبان در ۱۹۹۶ شکست خورده بود و قدرت را از دست داده بودند دشمن درجه یک طالبان بود، بنابراین رئیس مسئولیت ملی افغانستان اطلاعاتی را که به امریکها در افغانستان میداد دهات و قصابات پشتونها بشمول محافل عروسی و مراسم تدفین مرده های پشتون در قبرستانها و مجالس فاتحه داری آنها را به عنوان محل تجمع طالبان به امریکائی ها گزارش میداد تا تحت ضربات هوایی قرار داده شوند. بنابراین مرکز ثقل بمباردمانهای امریکائی در افغانستان دهات و قصابات پشتون ها و محافل شادی و غم آن ها بود.

چنانکه در سال ۲۰۰۳ نیروهای هوایی امریکا در روزگان یک محفل عروسی را بمباردمان نمود که در آن بقولی ۴۰۰ نفر و بروایتی ۱۴۴ نفر بشمول عروس و خانواده اش شهید شدند. و بعد فهمیده شد که این عملیات از روی اطلاعات غلطی صورت گرفته است که مسئولان مسئولیت ملی افغانستان در اختیار نیروهای امریکائی قرار داده است و حتی کسی حاضر به معذرت خواهی از خانواده های مصدومین هم نشد. چنین اتفاقاتی در ولایات دیگر جنوب شرق کشور نیز تکرار شده است.

عزیز پولاد یکی از فعالین رسانه های مجازی یوتیوب و تیک تاک که از منسوبین وزارت امور داخله جمهوریت بوده و اکنون در امریکا زندگی میکند، در صحبت هایش فاش میکند که او مدت ۱۲ سال در ارگ ریاست جمهوری مسئول تکفین و تجهیز کشته های دولتی بوده است. او میگوید در تمام این مدت هر قدر کشته ای که تکفین کرده و توسط لاریها به اوطان شان فرستاده است، همگی پشتونهای ننگرهار و لغمان و کنر یا پکتیا و پکتیکا بوده اند. او پدر و پسر پشتونی را دیده است که پدر در جمله نیروهای دولت کشته شده و پسر در جمله طالب کشته شده بود. فولاد می افزاید که کارمندان ریاست مصونیت ملی که ۹۹ درصد آن از پنجشیر بودند، به امریکائی ها کوردینات غلط میدادند و امریکائیها هم بنابر همان کوردینات دهات و قصابات مردم را در هلمند و قندهار و روزگان تا پکتیا و ننگرهار و لغمان و کنر بمباران میکردند و مردم عادی و زنان و کودکان معصوم پشتون را بنام طالب نابود میکردند. خوشبختانه که اکنون دیگر آن دوران گذشته است.

براستی که نیروهای امریکا، بنابر اطلاعات غلط و نادرست استخبارات افغانستان پیوسته محلات مسکونی اقوام پشتون را از زمین و هوا بمباردمان میکرد که سبب تلفات کودکان، زنان و سالمندان و افراد غیر نظامی میشد. یکی از نمونه های بارز آن بمباردمان قریه عزیز آباد شیندند در ۲۲ سپتمبر ۲۰۰۶ بود که در آن ۹۱ نفر غیر نظامی جانهای خود را از دست دادند. از جمله ۶۰ نفر آن را کودکان و ۱۵ تن آن را زنان تشکیل میدادند. این جنایت نه تنها خشم مردم افغانستان را برانگیخت، بلکه مجامع بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد را و ادار ساخت موضوع را از نزدیک مورد تحقیق قرار بدهد و گزارش آنرا رسماً به مقامات ناتو ارسال کند. رئیس جمهور کرزی نیز مجبور شد به دلجوئی

د پانو شمیره: له ۲ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له لایرلو مخکي په څیر و لولئ

مصیبت رسیدگان پردازد و انزجار خود را از اینگونه عملیات غیردقیق بیان کند. کرزی به بزرگان قریه عزیراباد اعتراف نمود که از پنج سال بدینسو او به نیروهای ناتو و امریکا از این ناحیه شکایت کرده است، اما آنها به سخنان او گوش نداده اند. در فردای این اظهارات نیروهای ناتو در ولسوالی سنگین ولایت هلمند دوقریه را بمباردمان کردند که در آن ۲۵۰ نفر زن و کودک و مردکشته و مجروح گردیدند. این خبر از تلویزیون آریانا گزارش یافت ولی رسانه های دولتی از تبصره در باره آن خود داری نمودند.

در پنجم ماه می ۲۰۰۹ نیروهای امریکائی بر قریه گرانی در ولسوالی بالابلوک فراه بمباردمان نمودند که در اثر آن بقول مردم محل ۱۴۷ نفر جان های شیرین خود را باختند. فریاد اعتراض مردم محل به گوش جهانیان رسید و امریکا فقط قوماندان نیروهای خود در افغانستان را تبدیل کرد و سفیر آن کشور همراه با حامد کرزی به ولایت فراه رفت و از مصیبت رسیدگان معذرت خواست و سپس وعده داد که به اعمار مجدد خانه های مردم مصیبت رسیده پرداخته خواهد شد ولی از عزیران از دست رفته که برخی نان آور خانواده های خود بودند تذکری داده نشد.

در دوران تجاوز امریکا و شرکا، پشتونها مورد حملات بیرحمانه متجاوزین در همدستی با نیروهای دولتی و قوماندان جمعیت اسلامی ربانی و قوماندانان جنبش اسلامی رشید دوستم قرار می گرفته اند. سازمان نظارت بر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود در خصوص افغانستان نوشته است که شکست طالبان در سال ۲۰۰۱ نتوانسته است فعالیت های سرکوبگرانه را در افغانستان متوقف کند. در این گزارش از سه قوماندان قدرتمند شمال مانند جنرال دوستم و عطا محمد نور (والی بلخ) و محمد محقق (رهبر حزب وحدت) به عنوان افرادی که بصورت سیستماتیک به تاراج و اعمال خشونت و آشوب مخصوصاً علیه پشتونها دست می زنند، نام برده است. (سایت فارسی bbc، ۱۴ جنوری ۲۰۰۳)

کرزی در مدت زعامت خود به عنوان یک پشتون، هرگز نتوانست جلو تجاوز و زورگویی و حق کشی سران ائتلاف شمال را بر جان و مال و ناموس پشتونهای مسکون در ولایات شمال کشور بگیرد. بر اثر همین ضعف و ناتوانی کرزی بود که در نخستین ماه های پس از سقوط طالبان، تصفیه های قومی در ولایات مزار شریف، فاریاب، قندز، بغلان، تخار، جوزجان، سمنگان، بادغیس و هرات آغاز شد و تا سال ۲۰۰۳ بشدت ادامه داشت. صدها حمله جنایت کارانه بر جان و مال و ناموس پشتونهای شمال کشور صورت گرفت و بر اثر این حملات و زورگویی و تجاوزات، ده ها هزار خانوار پشتون برای نجات عزت و شرف و ناموس و حیات خود مجبور به ترک خانه و روستای خود گردیدند و دوباره به پاکستان و یا به ولایت هلمند و کندهار و ننگرهار آواره شدند و تا اخیر حضور امریکا در افغانستان شرایط برای بازگشت آنها مساعد نگردید.

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

متاسفانه وضع پشتونها در شمال هندوکش، طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ از دست سیاست تبعیض گرانه والیان شمال، بدتر از وضع این قوم در غرب کشور بوده است. گزارشی که توسط سازمان حقوق بشر از خشونت و بدرفتاری در حق پشتونهای ولایات بلخ، فاریاب، جوزجان و تخار و سمنگان و قندز، توسط ملیشه های مربوط به عطا محمد نور والی بلخ، محمد محقق رهبر حزب وحدت، جنرال دوستم، والی جوزجان و سایر والیان ولایات یاد شده ثبت و راجستر شده، هر خواننده با احساس را از این همه ظلم و ناروایی و تجاوز بر مال و ناموس و دارائی و خانه و کاشانه باشندگان پشتون در مربوطات ولایات شمال، شدیداً تکان میدهد. این گزارش توسط نویسنده با درک کشور "رحمت آریا" تحت عنوان «د افغانستان په شمال کې د پښتنو ګرول او ځورول» در پورتال افغان-جرمن آنلاین نشر شده و در آرشیف مقالات شان قابل دسترسی است. در آغاز مقاله میخوانیم که:

" د ۲۰۰۱ ز کال د نوامبر د میاشتې له پیله را په دیخوا چې په شمالي افغانستان کې د طالبانو د واکمنۍ



گروهی از پشتونهای لیلای فروش که توسط ائتلاف شمال دستگیر شده اند و لحظه ای بعد بنام طالب کشته میشوند. اینها علاوه بر ۳ هزار طالبی اند که به امر دوستم بقتل رسیدند.

درنگیدا له نیتې سره سمون خوري، د شمالي افغانستان په ډیریو برخو کې پښتانه د وژنو، وهلو، ټکولو، کرېدلو، جنسي تیريو، لوټ او شوکو په گډون د ځورونو او کړاوونو له بیلا بیلو ډولونو سره مخامخ شول. پښتانه ځکه و ځورول شول چې له طالبانو سره هم پيونده وبلل شول، د طالبانو د مشرتابه د ډلې ډیري غړي له سویلي افغانستان څخه دي.»

د پاڼو شمیره: له ۴ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

بگزارش تلویزیون آشنای صدای امریکا از قول مسئول نظارت بر وضعیت مهاجران داخلی افغانستان وابسته به سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰، ۲۵۰ هزار افغان از ولایت هلمند از ولسوالی های مارجه وگرشک و نادعلی و باشندگان پنجوائی قندهار و محلات اطراف قندهار از خانه و محلات خود بیجا شدند و به جاهای امن تر از جمله کابل پناه برده اند . این بیجا شدگان که مورد عملیات تصفیه ئی نیروهای خارجی و دولتی قرار گرفته بودند همگی پشتون بودند. بیجا شدگان هلمند تا خروج امریکا از افغانستان به هلمند برنگشتند.

پشتونها با تحمل تمام این ظلم و تلفات جانی و مالی سرانجام موفق شدند تا متجاوزین را همراه با دستیاران داخلی آنها از کشور اخراج کنند و خود زمام کشور را بدست گیرند. چنانکه اکنون بدست گرفته اند. اینان فرزندان همان پدرانی اند که تهداب افغانستان را گذاشته بودند. اینان در عمران و آبادی مجدد وطن خویش با طرح پروژه های آبیاری و ساختن بندهای آب و کشیدن کانال های آبیاری بهتر و بیشتر از دولت سقوی سوم مصروف کاراند و همین اکنون سیمای شهر کابل بهتر و مصفا تر از تمام دروان گذشته است. کار مهم دیگر حاکمان پشتون دادن پاسخ دندان شکن به پاکستان این دشمن غدار است. اینها غرور زخم خورده افغانها را دوباره احیاء و اعاده نمودند و از تمامیت ارضی کشور شجاعانه دفاع کردند و برخلاف ادعای مخالفین سیاسی غلام پاکستان نیستند و برعکس همانهای که قدرت را از پاکستان گدائی میکنند حلقه غلامی آنکشور را هنوز برگردن خود دارند. ممکن است تعدادی از غلامان پاکستان در میان شان وجود داشته باشد و همانها اند که مانع باز شدن دروازه های مکاتب ثانوی و پوهنتونها بروی دختران میشوند. امیدوارم هرچه زودتر این لکه سیاه را از دامن خود و کشور خود پاک کنند. این امر بدون تردید سبب برسمیت شناختن حکومت شان از سوی جامعه بین المللی نیز خواهد شد. البته نمیتوان در نظامهای ایدیوژیک توقع دیموکراسی را داشت. پایان ۲۸ / ۱ / ۲۰۲۶

[آرشیف: مقالات کانديد اکادميسن سيستاني](#)

د پانو شميره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ